

مقاله پژوهشی:

ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی و اسناد بالادستی

محمد مهدی خشنودی^۱ / ابراهیم عزیزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴

چکیده

ارکان جهت‌ساز در یک سازمان و نهاد، سمت و سوی آن را تعیین می‌کند؛ مسیر حرکت در نهاد‌های بزرگ‌تر که از خصیصه برنامه محوری برخوردارند، اهمیت بیشتری دارد. هدف از این پژوهش دستیابی به ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی است. به همین منظور، از تحلیل محتوای کمی و کیفی و همچنین روش داده‌بنیاد استفاده شده است؛ تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از مجموعه اسناد بالادستی که بیشترین ارتباط با موضوع دادرسی را دارند، به دست آمد. پس از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به صورت هم‌زمان با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای استخراج شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد؛ از منظر قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند مرجع و سایر اسناد بالادستی مرتبط، استقلال قضایی در کنار عواملی همچون رسیدگی عادلانه و سریع و دقیق در قوه قضاییه از مؤلفه‌های اصلی ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: ارکان جهت‌ساز، قانون اساسی، اسناد بالادستی، دکرترین، اهداف، سیاست‌ها

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی - m.m.khoshnoudi@gmail.com

۲. هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین و معتبرترین سندی است که ساختارهای رسمی هر کشور را تعیین و سایر قوانین عادی نیز تحت شعاع آن قرار می‌گیرند. قوانین هر کشور تعیین‌کننده معیارها و ضوابطی است که برای همگان حق و تکلیف ایجاد می‌کند و ضمانت اجرای قوانین در هر کشوری نیازمند قوه قضاییه‌ای مستقل و مقتدر است؛ این اقتدار و استقلال مستلزم شناسایی از سوی قانون اساسی است. از طرفی رویکرد قانون اساسی به‌عنوان سند مرجع برای روزآمد کردن نظام دادرسی، باید به نحوی قابل‌انعطاف باشد که نیاز به تغییرات مکرر در اصول آن نبوده و یا به‌گونه‌ای تفسیر شود که دست‌کم مانع اصلاحات نظام قضایی نباشد و مقررات تکمیلی و اسناد بالادستی به سهولت با مبنای قرار دادن آن تدوین و تصویب شود؛ بلکه خلأهای آن را پر کند.

نظام دادرسی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه شعار تحقق عدالت و عدالت‌گستری شکل‌گرفته است. در مقدمه قانون اساسی و در فصل یازدهم آن به این موضوع اشاره شده است و قوه قضاییه به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه‌ی کشور مسئولیت خطیر «تحقق بخشیدن به عدالت» را بر عهده دارد (اصل یک‌صد و پنجاه و ششم). قوه قضاییه مکلف است تحقق دادرسی عادلانه را به نحوی تضمین کند که همگان به صورت برابر از استقلال، بی‌طرفی و سلامت در دادرسی‌ها بهره‌مند شده و وجود آن را احساس کنند. سایر اسناد بالادستی که در دوران پس از انقلاب اسلامی مصوب شده‌اند، همگی به تأسی از قانون اساسی بر این مهم تأکید کرده‌اند؛ اما درعین حال مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگری در ترسیم یک نظام دادرسی عدالت‌محور نقش دارند که مسیر حرکت به‌سوی دادرسی عادلانه را هموار می‌کنند؛ در این پژوهش از این خطوط جهت‌نما به‌عنوان ارکان جهت‌ساز یاد شده است.

اهمیت پژوهش

توجه روزافزون به برنامه‌ریزی راهبردی در نهادها و سازمانها بیش‌ازپیش اهمیت یافته است در سطوح بالاتر مانند قوای سه‌گانه حاکمیتی این مهم واجد اهمیت بیشتری است؛ از سوی دیگر تهیه برنامه‌های اصلاحگر، با ذات تحول‌گرایانه مستمر در نظام‌های قضایی

کشورها همواره مورد نیاز بوده است؛ در نظام دادرسی کشور ما نیز این رویکرد در دوره‌های مختلف مدیریت قوه قضاییه در دستور کار قرار گرفته است. نتیجه آنکه لازمه تدوین راهبرد، استخراج و تعیین ارکان جهت‌ساز به‌خصوص در قانون اساسی و اسناد بالادستی است. ارکان جهت‌ساز مشخص شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی، برای تدوین راهبرد دادرسی در جمهوری اسلامی ایران از امور زیر بنایی و پایه است که باید مورد توجه قرار گیرد. همین امر سیاست‌های اجرایی را همسو می‌کند. در نهایت آنکه در طراحی الگوی نظام دادرسی و تعیین راهبردهای آن، محور قرار دادن ارکان جهت‌ساز قانون اساسی و اسناد بالادستی متناسب با وضعیت کنونی کشور، واجد اهمیت به‌نظر می‌رسد.

ضرورت پژوهش

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و در ادوار مختلف، مدیران دستگاه قضایی برنامه‌ها و سازوکارهای مختلفی را برای ارتقاء نظام دادرسی پیش‌بینی و در جهت اجرای آن تلاش کرده‌اند که در موارد بسیاری موفق اما درعین حال با ناکامی‌هایی مواجه بوده‌اند. مفاهیمی همچون استقلال قضایی، اتقان آراء، سرعت در رسیدگی از مواردیست که همچنان ضرورت توجه به آنها احساس می‌شود. رفع کاستی‌های این امور همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری و مدیران قوه قضاییه بوده است. از این رو تدوین راهبردی دقیق، واقع‌گرا و با قابلیت اجرا برای نظام دادرسی مستلزم توجه به ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی به‌خصوص در قانون اساسی و اسناد بالادستی است؛ بنابراین فقدان آن مسیر راهبرد را دچار انحراف کرده و بی‌تردید عدم توجه به ارکان جهت‌ساز در اسناد بالادستی موجب ناهماهنگی در اجرای سیاست‌های قضایی و تقنینی می‌شود.

بیان مسئله

نظام دادرسی اسلام یک نظام الهی است؛ این نظام دارای مبانی ممتازی است که آن را از سایر نظام‌های حقوقی متمایز می‌کند. بی‌تردید یکی از اهداف مهم نظام‌های دادرسی علاوه بر ایجاد عدالت، تضمین حقوق مسلم شهروندان است؛ این تضمین باید ابتدا در

بستری مناسب از قوانین و مقررات سر برآورد؛ قانون اساسی مهم‌ترین سند فرادستی است و متضمن حقوق و تکالیفی است که در عین حال، خود پایه و اساس سایر قوانین نیز می‌باشد؛ اما به لحاظ خصوصیت الگویی آن نباید مانع پویایی و روزآمدی سایر قوانین شود. همین خصیصه باعث می‌شود به عنوان قانون مادر در تدوین و تصویب سایر قوانین و مقررات نصب العین قرار گیرد. از طرفی نظام دادرسی باید پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه بوده و مهم‌تر آنکه قواعد حقوقی حاکم بر روابط اشخاص در عین پویایی باید به دنبال ثبات روابط حقوقی میان آنان نیز باشد. این پویایی و ثبات انتظاری است که به وسیله دادرسان و در محاکم قضایی جامه عمل به خود می‌پوشاند.

بارزترین نماد دستگاه قضایی به عنوان مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری و دادگاه‌ها هستند (اصل یک‌صد و پنجاه و نهم). قضاوت و دادرسی که مهم‌ترین وظیفه قوه قضاییه است، به وسیله آنها به عمل می‌آید. به عبارتی، قوه قضاییه اگرچه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و به موجب قانون تکالیف متنوعی بر عهده‌ی واحدهای ستادی و صفی آن گذاشته شده است، اما دادگاه‌ها و دادرها مهم‌ترین تکلیف قوه قضاییه که همان قضای اسلامی است را بر عهده دارند. در همین راستا و در جهت نیل به عدالت دغدغه اصلی مدیران دستگاه در ادوار مدیریت قوه قضاییه اصلاحات نظام قضایی و رفع مشکلات آن بوده است؛ اما پس از انقلاب اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و الزامات مدیریتی ساختارهایی تعریف یا حذف شد. برای مثال به عنوان مهم‌ترین تغییر بنیادی می‌توان به حذف دادرها و تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب باهدف اسلامی کردن نظام دادرسی، در سال ۱۳۷۳ اشاره کرد. تمام این اقدامات نتوانست مشکلات مزمن و فراگیری همچون اطلاع دادرسی، افزایش پرونده‌های وارده به دستگاه قضایی، افزایش تعداد زندانیان و مشکلاتی از این قبیل را مرتفع سازد؛ ناگزیر پس از تجربه دوره‌ی هشت‌ساله با احیای مجدد دادرها و تغییراتی اندک در برخی ساختارها، نظام دادرسی پرسابقه‌ی دادرایی تجدید شد؛ ناگفته نماند در هر دوره مدیریتی آسیب‌ها و عوامل درونی و بیرونی در ناکامی برنامه‌های اصلاحی مؤثر بوده است. در هر صورت با وجود تلاش‌های طاقت‌فرسا کماکان با نسبت‌های متفاوت در ادوار مختلف این معضلات باقی مانده است؛ علاوه بر این،

آسیب‌های جدی دیگری همچون: عدم برخورد سریع و قاطع یا فقدان اثرگذاری و بازدارندگی مجازات در جرائم اقتصادی، کیفیت نازل آراء صادره از برخی دادگاه‌ها، تنزل اخلاق حرفه‌ای در بعضی قضات و کارکنان دستگاه قضایی، کمبود منابع مالی و انسانی کارآمد و... نیز کم‌وبیش بر مشکلات سابق افزوده شده است. ناگفته نماند ناکارآمدی نظام‌های دادرسی و سیاست‌های قضایی در اموری همچون افزایش جرائم و فقدان اثربخشی مجازات سنتی، منحصر به کشور نیست و توفیقات کشورها در این زمینه امری استثنایی است.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش گردآوری و تبیین ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و اسناد بالادستی با رویکرد کاربست در برنامه‌ریزی راهبردی در قوه قضاییه و بهره‌مندی دست‌اندرکاران دستگاه قضایی از آن است.

روش پژوهش

از نظر روش‌شناسی، این پژوهش از نوع اکتشافی و ترکیبی، بر مبنای تحلیل کمی و کیفی است که از رویکرد داده‌بنیاد استفاده شده است.

نظریه‌ی مبنایی یا داده‌بنیاد که از متغیرها و داده‌های کیفی بهره می‌گیرد، یک سلسله رویه‌های نظام‌مند است تا نظریه‌ای مبتنی بر استقراء درباره‌ی پدیده‌ای ایجاد کند. هدف نظریه‌ی مبنایی، گسترش تئوری است و نه توصیف صرف پدیده. در این روش، مفاهیم، پایه‌های اساسی هستند و آزمون بخش مهم و لاینفک آن است. گرچه آزمون، به معنای آماری آن نیست، بلکه همیشه فرضیه‌ها در مقابله با واقعیت (داده‌ها) سنجیده می‌شوند؛ تغییرات لازم داده می‌شود و باز آزموده می‌شود. هدف نظریه‌ی داده‌بنیاد مشخص کردن شرایطی است که موجب یک سلسله‌گنش، گنش متقابل مربوط به پدیده و پیامدهای حاصل از آن است. نظریه‌ی مبنایی برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه‌ی کلی شروع می‌شود و از فرضیه‌ها برای آزمون تجربی سرچشمه می‌گیرد، کار خود را با مشاهده شروع

می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش‌بینی می‌کند. این بدان معنا نیست که پژوهشگران اندیشه‌های پیش‌پنداشته (مفروضات) ندارند، بلکه به دنبال کلیت‌ها هستند و فرضیه‌ها در فرایند پژوهش شکل می‌گیرند (خلیلی شورینی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳).

کُدگذاری

کُدها ابزارهای کوچکی برای نام‌گذاری، جداسازی، ترجمه و سازمان‌دهی داده‌ها به شمار می‌روند. کُدگذاری نیز فرایندی کلیدی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است که طی آن داده‌های جمع‌آوری‌شده، تجزیه و تحلیل شده و نام‌ها و برجسب‌هایی به برخی اجزای آنها اختصاص می‌یابد که از اهمیت نظری یا برجستگی خاصی درباره موضوع موردبررسی برخوردارند. استراس و کوربین سه نوع کُدگذاری باز، محوری و انتخابی را در این زمینه پیشنهاد کرده‌اند: (۱۳۹۳: ۶۱) که هر یک سطوح مختلف کُدگذاری را نشان می‌دهند اگرچه همه پژوهشگرانی که از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده می‌کنند، این سه نوع کُدگذاری را در تحلیل داده‌ها به کار نمی‌برند (ذوالفقاری و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۶).

پیشینه‌شناسی پژوهش

منابع قابل‌دسترس عمدتاً بیانگر آن است که در کنار معدودی از مقالات علمی پژوهشی مرتبط با موضوع، بیشتر تحقیقات مرتبط و ارائه الگوها در رساله‌های دوره دکتری تحت عناوین نظام حکومتی الگو در دانشگاه عالی دفاع ملی تدوین شده یا در دست تدوین و ارائه است که برخی اشاراتی به ارکان جهت‌ساز در نظام دادرسی دارند.

آقای دکتر سعید دهقان در رساله دوره دکتری با عنوان «ارائه الگوی راهبردی در اداره امور نظام قضایی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ا. و بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه و قانون اساسی» به سؤالات ده‌گانه مبتنی بر نظام حکومتی الگو و عنوان رساله پاسخ داده و درنهایت با جمع‌بندی نتایج حاصله، الگوی راهبردی تدوین و مدل مفهومی آن ترسیم شده است (دهقان، ۱۳۹۴).

در رساله دوره دکتری دیگری آقای دکتر اصغر جهانگیر با عنوان «الگوی مدیریت راهبردی منابع انسانی قوه قضاییه ج.ا.م مطالعه موردی قضات» این نتیجه را به دست آورده که ثابت شدن این فرضیه که الگوی مدیریت راهبردی منابع انسانی قضات تحت تأثیر روش‌های والای اسلامی است (جهانگیر، ۱۳۹۲).

مباحث مرتبط با نظام دادرسی اسلام و مقایسه آن با سایر نظام‌های حقوقی در بستر حقوق تطبیقی نشان می‌دهد که نظام اسلام یک نظام الهی است و مشروعیت قواعد حقوقی آن مبتنی بر اراده تشریحی خداوند است و حقوق اسلام از متن آیین اسلام که پیامبر اکرم (ص) از طریق وحی و از طرف خداوند برای بشر آورده است، به دست آمده است و سایر نظام‌های حقوقی مطرح منبعث از ذهن بشر است.

نظام دادرسی کامن لا و رومی ژرمنی دو خانواده اصلی موجود در جهان معاصرند؛ به عبارت دیگر، هیچ نظام حقوقی در جهان نیست که پاره‌ای از عناصر خود را از یکی از این خانواده‌ها نگرفته باشد. بعضی گمان دارند که همه نظام‌های حقوقی دیگر جز بقایایی از گذشته نیستند که با پیشرفت تمدن در آینده کم‌وبیش نزدیک نابود خواهند شد. لیکن این نظر که زائیده عقده خودبرتربینی است، فرضیه‌ای بیش نیست و با واقعیتی که می‌توان در جهان معاصر مشاهده کرد وفق نمی‌دهد. درست است که همه کشورها تا حدی از افکار غربی استفاده کرده‌اند، چه اینکه کار برای حفظ استقلال این کشورها و تحقق بخشیدن به پاره‌ای پیشرفت‌ها ضروری جلوه کرده است. جهان اسلام، هند، خاور دور، آفریقا به هیچ وجه این برتری را بدون قید شرط نپذیرفته‌اند. بدون در نظر گرفتن این واقعیت، هیچ نمودار واقع‌بینانه‌ای درباره نظام‌های حقوقی جهان معاصر نمی‌توان ترسیم کرد (دیوید و اسپینوزی، ۱۳۸۹: ۳۶).

در حقوق اسلام، دولت، خدمتگزار واقعی دین است؛ بنابراین می‌توان گفت که منشأ قدرت از جانب خداوند است و فقهای اسلامی حقوق کامل و جامعی برای جامعه دلخواه به وجود آورده‌اند که در آینده بر اساس دین و تمدن اسلامی تشکیل خواهد شد (عرفانی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۷).

[با انقلاب اسلامی، کشور ما] برای ایجاد یک نظام قضایی مناسب الگوهای متعددی قابلیت پیشنهاد و اجرا داشت، برای نظام جدید ایران که بر اساس آرمان‌های مذهبی مطرح شده و مقبولیت یافته بود، قاعداً برای قوه قضاییه نیز بایستی ماهیتی اسلامی قائل می‌شد. چنین طرحی مستلزم ایجاد تغییرات گسترده در کلیه شئون قوه قضاییه بود. کارکنان و قضات بایستی با معیارهای جدید تطبیق داده می‌شدند و صلاحیت آنها احراز می‌گردید و روند دادرسی و مراحل مختلف آن دگرگون می‌شد. قوانین به تغییرات گسترده و دگرگونی کلی نیاز داشتند و نهایتاً استقلال قوه قضاییه از طریق وابستگی غیرمستقیم آن به قوه مجریه بایستی تضمین می‌شد (زرینی، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، پیش‌نویس قانون اساسی تهیه و متعاقب آن توسط مجلس خبرگان بازنگاری شده و در ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ (۳۰ و ۳۱ مارس ۱۹۷۹) با اکثریت ۹۸/۲ درصد در همه‌پرسی ملی مورد تصویب قرار گرفت. اصلاحات بعدی ده سال بعد، از طریق همه‌پرسی در ۱۳۶۸ مورد تأیید قرار گرفت. به‌طورکلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که دارای ۱۷۷ اصل است و مشخص شده، سیستم حقوقی باید بر اساس اسلام باشد. اصل چهارم قانون اساسی مقرر داشته کلیه قوانین و مقررات درزمینه‌ی مدنی، کیفری، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید در بر اساس اصول اسلامی قرار گرفته باشد. این اصل به‌طورکلی در مورد تمام مواد قانون اساسی به کلیه قوانین و مقررات دیگر اعمال می‌شود و فقهای شورای نگهبان در این مورد تصمیم می‌گیرند. اصل تفکیک قوا و استقلال قوه قضاییه مورد تأکید قانون اساسی است؛ به همین مناسبت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه فصل یازدهم را به قوه قضاییه اختصاص داده، بعضی از اصول دیگر را هم در رابطه با این قوه وضع کرده است. در رأس قوه قضاییه شخصیتی را پیش‌بینی نموده که به مدت ۵ سال از جانب مقام رهبری با احراز شرایط اجتهاد و عدالت و آگاهی به امور قضا منصوب می‌شود و مسئولیت اداره این قوه را عهده‌دار است (مدنی، ۱۳۸۸: ۲۴۲).

اسناد بالادستی به‌عنوان یکی از منابع و مستندات تأکید کننده بر قانون اساسی کشور است که برای نمونه می‌توان به سیاست‌های کلی قضایی کشور که در مجمع تشخیص

مصلحت نظام تصویب‌شده و به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است اشاره کرد؛ این سیاست‌ها که طی نامه شماره ۳۶۸۳/۱-۱۳۸۱/۷/۲۹ دفتر رهبری به قوه قضائیه نیز ابلاغ‌شده است در ۱۷ بند سیاست‌های کلی قضایی نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌کند تا نظام تقنینی، قضایی و اجرایی کشور در راستای تحقق این سیاست‌ها گام بردارند؛ اولین بند از سیاست‌های مزبور اشاره به (اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاست‌های مذکور در بندهای بعدی) دارد!

مفاهیم و مبانی نظری پژوهش قانون اساسی و ویژگی‌های آن

قانون اساسی سندی است که بیش از سایر اسناد نیازمند مشروعیت است. این مشروعیت از طریق تحمیل نیت بنیان‌گذارانی که در صدها سال پیش زندگی می‌کرده‌اند، بر کسانی که امروز زندگی می‌کنند حاصل نمی‌شود. از این‌رو عده‌ای معتقد هستند که واژگان قانون اساسی باید در پرتو معانی امروزی آنها و برای حل معضلات امروز تفسیر شوند تا قانون اساسی نزد نسل حاضر مشروعیت یابد (کانوی، ۲۰۰۸: ۱۰۲).

قانون اساسی دارای اصطلاحاتی کلی‌تر، مبهم‌تر و عام‌تر از قوانین عادی است؛ چنین ویژگی منحصر به فردی به دلایل زیر است: الف: قانون اساسی توافق یک ملت در خصوص چارچوب‌ها و هنجارهای کلان و بنیادین اداره‌ی کشور و جامعه در شئون مختلف آن است. در بسیاری از موارد اصطلاحات مبهم و کلی در قانون اساسی عمدی و آگاهانه بوده تا جای تفسیر برای نسل‌های آینده باز بماند و رضایت همه‌ی طرف‌ها حاصل شود؛ ب: قانون اساسی قانونی ماندگار است؛ به این معنا که مسیر حرکت جامعه در طی چندین نسل را پیش‌بینی می‌کند (مارمور، ۲۰۰۵: ۱۴۲)؛ بنابراین، باید آمادگی تطبیق با شرایط متفاوت را داشته باشد؛ ج: بازنگری در قانون اساسی بسیار دشوارتر است و به همین جهت باید انعطاف تفسیری بیشتری داشته باشد تا بتواند نیاز دوران پس از تصویب را هم برآورده سازد. این

امر در قوانین اساسی کشورهای مختلف مشهود است. کشورهای که شیوه‌ی بازبینی راحت‌تری را پیش‌بینی کرده‌اند، بیشتر به متن‌گرایی مقید هستند. برای مثال، کشور آلمان متن قانون اساسی را در جایگاه بالاتری از نیت بنیان‌گذاران قرار می‌دهد؛ زیرا بازبینی در قانون اساسی آن به صورت ساده‌تری پیش‌بینی شده است. برای نمونه، از سال ۱۹۴۹ تا به امروز این قانون بیش از ۵۴ بار اصلاح شده است. در برابر آن، در ایالات متحده متن‌گرایی و استفاده از شیوه‌های مکانیکی کمتر مورد توجه است و دیده می‌شود که قانون اساسی از ۱۷۸۷ تاکنون تنها ۲۶ اصلاحیه داشته است که اگر ۱۰ اصلاحیه‌ی اول را یک سند و یک اصلاحیه محسوب کنیم، می‌توان آن را به ۱۶ اصلاحیه تقلیل داد (آرشاکیان، ۲۰۱۳: ۱۳۲۷-۱۳۲۸). در مجموع قانون اساسی به کمک سایر اسناد بالادستی و قوانین عادی به عنوان تسهیل‌کننده اصلاحات مستمر در نظام‌های دادرسی محسوب می‌شود.

رویکردهای قانون اساسی و اسناد بالادستی در حوزه نظام حقوقی دادرسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مادر قوانین، فصل یازدهم را به قوه قضاییه اختصاص داده است اصول ۱۵۶ تا ۱۷۴ جایگاه، مسئولیت‌ها، تکالیف و انتظارات خود از دستگاه قضایی را در بخش‌های مختلف از جمله استقلال دستگاه قضایی، ریاست قوه قضاییه و شرایط و نحوه انتخاب آن، کلیات شرایط جذب و انتقال قضات، دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دادگاه‌ها و دادرسی‌ها، وزارت دادگستری، پیشگیری از وقوع جرم، بر شمرده است.

اسناد بالادستی مورد مطالعه در این پژوهش بیشترین ارتباط را با موضوع نظام دادرسی دارد از جمله: جایگاه قوه قضائیه در افق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی - سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری ۸۱/۷/۲۸) - سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۹/۲) - سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه امور حقوقی و قضایی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری ۹۴/۴) - سیاست‌های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضات مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۷/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ارکان جهت‌ساز قانون اساسی و اسناد بالادستی در حوزه نظام حقوقی دادرسی

ارکان جهت‌ساز مجموعه‌ی ارزش‌ها، بایسته‌ها، نواهی، توصیه‌ها، چارچوب‌ها، جهت‌گیری‌ها و چشم‌اندازی است که رعایت آنها در حوزه نظام دادرسی در اصول قانون اساسی تصریح شده و یا در مقدمه‌ی قانون اساسی به‌عنوان مبانی و چارچوب‌های قانون به آن پرداخته شده است (اعم از آنکه به‌صورت قانون عادی شرح و بسط آنها آمده باشد و یا نص صریح اصول آنها را برشمرده باشد) و از لحاظ ادراکی، شناختی و حرکتی هدایت‌کننده برنامه‌ریزان راهبردی و متصدیان امر قضا باشد. در مرتبه بعد اسناد بالادستی که به‌نوعی تکمله قانون اساسی بر اساس مقتضیات زمانی هستند نیز ارزش‌ها، اصول و چشم‌اندازی را معرفی یا با بیانی روزآمدتر ارائه کرده‌اند که در سه محور دکتربین، هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری در جدول مربوطه استخراج و گردآوری شده است.

دکتربین: واژه دکتربین^۱ از واژه لاتین دکتربینا^۲ به معانی مکتب، آیین، اصول عقیده، سیاست، آموزه و نظریه آمده است (سورین، ۱۳۷۲: ۴۵۸). دکتربین یا آئین در اصطلاح به مجموعه اصول و عقاید دینی یا علمی یا فقهی که منسوب به یکی از دانشمندان و یا مکتب خاصی است، اطلاق می‌شود. از خصوصیات دکتربین این است که اصول و عقاید آن با عمل توأم است و حقایق نظری محض نیست. به‌همین جهت می‌گویند فرق بین دانش و دکتربین این است که دانش، مشاهده و تبیین و تفسیر می‌کند و دکتربین حکم می‌کند و دستور می‌دهد و به‌کار می‌بندد (برگ‌نسی و سجادی، ۱۳۷۰: ۱۰). اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد (آقا‌بخشی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

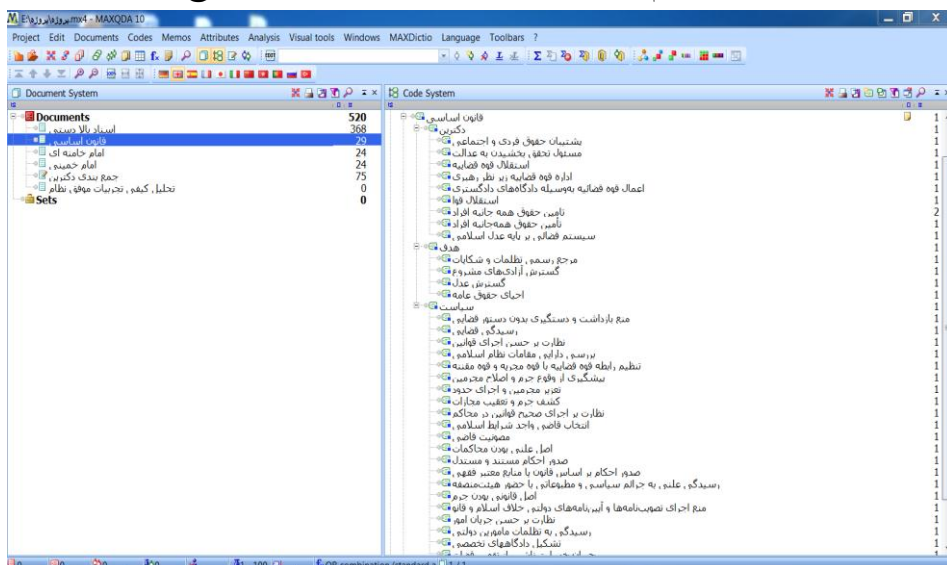
دکتربین نظام حقوقی دادرسی مجموعه‌ای از عقاید و آموزه‌هایی است که از شرع مقدس اسلام و اصول مسلم اخلاقی بشری نشئت گرفته است و سیاست‌گذاران و مدیران دستگاه قضایی به کمک آن نظام حقوقی دادرسی را شکل می‌دهند.

هدف گذاری: عبارت است از بیان مورد انتظار (شامل کار مشخص و قابل اندازه گیری) در محدوده زمانی خاص و با هزینه ای معین، منظور از هدف گذاری، تفکیک مأموریت ها یا اهداف دوربرد به اهداف کمی و کیفی کوتاه مدت است که برای یک واحد و سرانجام یک فرد شاغل قابل اجرا باشد (رضائیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

سیاست گذاری: سیاست گذاری در امور کشورداری عبارت است از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود (هاشمی، ۱۳۶۶: ۴۹). مقصود از سیاست گذاری رهنمودها، روش ها، رویه ها، مقررات و شیوه هایی از مدیریت خاص است که برای حمایت و تقویت کارها در نظر گرفته می شود تا سازمان بتواند به هدف های تعیین شده دست یابد. سیاست ها ابزاری هستند که به وسیله آنها استراتژی به اجرا درمی آید (دیوید، ۱۳۸۲: ۴۳۳).

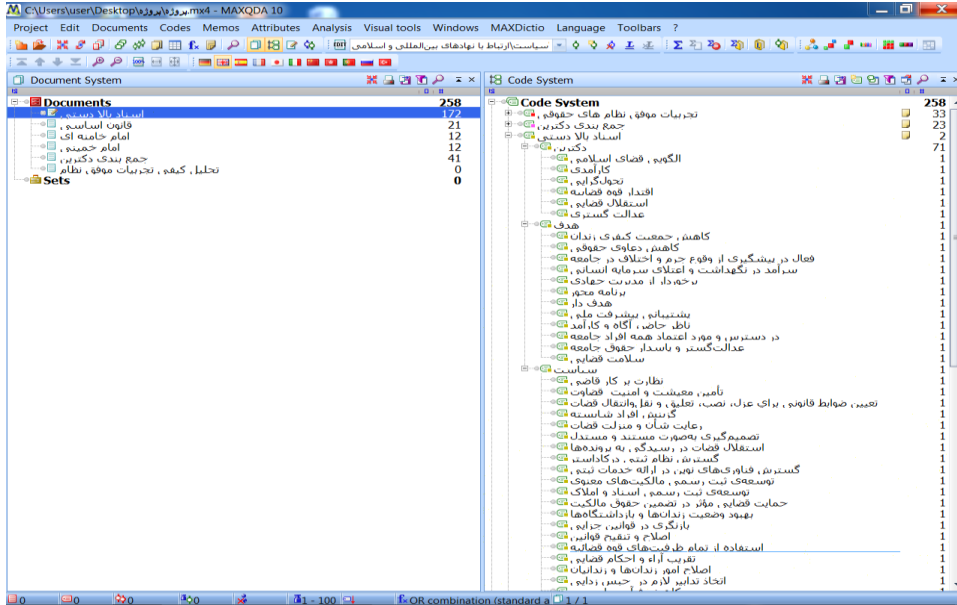
کد گذاری ها

در بخش اصلی تجزیه و تحلیل داده ها، متغیرهای ارکان جهت ساز نظام دادرسی در قانون اساسی با استفاده از نرم افزار مکس کیو دی ای، شناسایی و استخراج شدند.



شکل شماره (۱) کد گذاری ارکان جهت ساز نظام دادرسی در قانون اساسی با استفاده از نرم افزار

مکس کیو دی ای



شکل شماره ۲ کد گذاری ارکان جهت ساز نظام دادرسی در اسناد بالادستی با استفاده از نرم افزار مکس کیو دی ای

نتیجه گیری و پیشنهادها

پس از کد گذاری باز و انتخابی و استخراج مفاهیم و مقوله ها از آن به شرح آتی به تحلیل نتایج به دست آمده در دو بخش مجزای قانون اساسی و اسناد بالادستی پرداخته می شود. نتایج حاصله از آن بیانگر محوریت دادرسی عادلانه می باشد که استقلال قضایی و سرعت و دقت در رسیدگی ها و اتقان آراء به عنوان عوامل تاثیر گذار در آن مورد تاکید قرار گرفته است.

تحلیل ارکان جهت ساز نظام دادرسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی علاوه بر سرفصل اختصاصی در مقدمه تحت عنوان قضاء و توضیح در این خصوص، بر ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و

آشنا به ضوابط دقیق دینی تأکید نموده است. مهم تر آنکه یکی از فصول چهارده گانه خود (فصل یازدهم) را به قوه قضاییه اختصاص داده است.

به منظور پیمودن فرایند نظریه مبنایی با استفاده از نرم افزار مکس کیو دی ای پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، گزاره های متنی، مفاهیم اولیه، مفاهیم اصلی و مقوله ها احصا شدند که نتایج به شرح آتی به دست آمد، که جدول شماره (۱) برآیند کلی ارکان جهت ساز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

جدول شماره ۱: ارکان جهت ساز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی

کد گذاری قانون اساسی			
مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم اولیه	گزاره متنی
دکترین	سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی	قوه قضاییه متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی	در مقدمه قانون اساسی تحت عنوان (قضا در قانون اساسی) در خصوص قضا آمده است: مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی، پیش بینی شده است، این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دوران هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل) (مقدمه قانون اساسی)
دکترین	تأمین حقوق همه جانبه افراد	ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون	تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. (بند چهاردهم از اصل سوم قانون اساسی)
دکترین	استقلال قوا	اصل تفکیک و استقلال قوا	قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند. (اصل پنجاه و هفتم)

کد گذاری قانون اساسی

مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم اولیه	گزاره متنی
دکترین	مسئول تحقق بخشیدن به عدالت	قوه قضائیه مسئول تحقق بخشیدن به عدالت	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>
هدف	احیای حقوق عامه	قوه قضائیه مسئول احیای حقوق عامه	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>
هدف	گسترش عدل	قوه قضائیه مسئول گسترش عدل	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>

کد گذاری قانون اساسی			
مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم اولیه	گزاره متنی
هدف	گسترش آزادی‌های مشروع	قوه قضاییه تضمین کننده گسترش آزادی‌های مشروع	قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)
هدف شکایات تظلمات و مرجع رسمی	قوه قضاییه مرجع رسمی تظلمات و شکایات	- مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است. (اصل یکصد و پنجاه و نه)	
سیاست بدون دستور قضایی	منع بازداشت و دستگیری	لزوم تفهیم اتهام کتبی با ذکر دلایل	هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. (اصل سی و دوم قانون اساسی)
سیاست رسیدگی قضایی	رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه	رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه	قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)

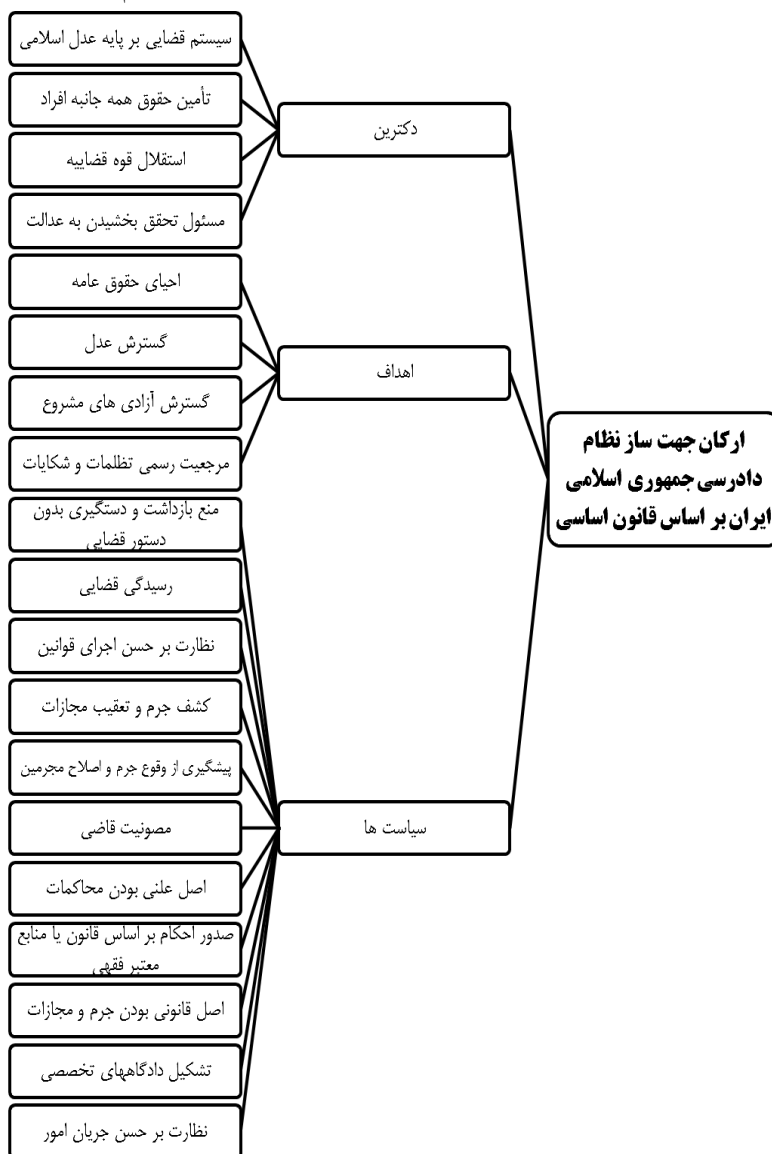
کد گذاری قانون اساسی

مفهوم اصلی	مفهوم اولیه	گزاره متنی
سیاست	نظارت بر حسن اجرای قوانین	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>
سیاست	کشف جرم و تعقیب مجازات	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>
سیاست	پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین	<p>قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند. ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. (اصل یکصد و پنجاه و ششم)</p>

کد گذاری قانون اساسی			
مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم اولیه	گزاره متنی
سیاست	مصونیت قاضی	منع انفصال، جابجایی و تغییر سمت قضات بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلف	قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد. (اصل یکصد و شصت و چهارم)
سیاست	اصل علنی بودن محاکمات	برگزاری محاکمات به صورت علنی با حضور افراد	محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. (اصل یکصد و شصت و پنجم)
سیاست	صدر احکام بر اساس قانون یا منابع معتبر فقهی	رسیدگی به دعوا و صدور حکم متنی بر قانون یا منابع معتبر فقهی	قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. (اصل یکصد و شصت و هفتم)
سیاست	مجازات بودن جرم و مجازات	اصل قانونی بودن جرم و مجازات	هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. (اصل یکصد و شصت و نهم)
سیاست	تشکیل دادگاههای تخصصی	تشکیل دادگاههای نظامی	برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می شود، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند. (اصل یکصد و هفتاد و دوم)
سیاست	نظارت بر حسن جریان امور	نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری	بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند. (اصل یکصد و هفتاد و چهارم)

ارکان جهت‌ساز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی

همچنانکه در جدول شماره ۱ به تفصیل نتایج حاصل از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، مطرح شد، ارکان جهت‌ساز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی در سه محور دکترین، اهداف و سیاست‌ها، در شکل شماره ۳ ترسیم شده است.



شکل شماره (۳) ارکان جهت‌ساز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی

بررسی متن قانون اساسی و نیز متن مذاکرات خبرگان قانون اساسی به‌عنوان اسناد مرتبط نشان می‌دهد در این سند، مستقیماً به عبارت «نظام دادرسی» اشاره نشده ولی عبارات و واژه‌های مرتبط با آن شامل مفهوم قضا (۵ مرتبه)، قضایی (۱۱ مرتبه)، محکمه (۱۲ مرتبه) و حقوق (۷ مرتبه) اشاره شده است.

از منظر این سند، قوه قضاییه قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است؛ تصریح به این وظیفه خطیر بی‌نیاز از تفسیر است. لکن مفاهیم مستخرج از قانون اساسی در مقوله دکترین، مفاهیمی از قبیل سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، استقلال قوا، اعمال قوه قضائیه به‌وسیله دادگاه‌های دادگستری، اداره قوه قضاییه زیر نظر رهبری، استقلال قوه قضاییه، مسئول تحقق بخشیدن به عدالت، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی را در بر دارد.

در مقوله اهداف نیز مفاهیم موردنظر قانون اساسی عبارت از احیای حقوق عامه، گسترش عدل، گسترش آزادی‌های مشروع است و قوه قضاییه را تنها مرجع رسمی مرجع تظلمات و شکایات، برشمرده است.

سیاست‌های مدنظر قانون اساسی با اشاره به منع بازداشت و دستگیری بدون دستور قضایی، اصل قانونی بودن جرم، اصل علنی بودن محاکمات، رسیدگی علنی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه، صدور احکام مستند و مستدل، جبران خسارت ناشی از تقصیر قضات، بر رعایت حقوق شهروندی تأکید کرده است. همچنین رسیدگی به تظلمات مأمورین دولتی، بررسی دارایی مقامات نظام اسلامی، نظارت بر حسن اجرای قوانین، تشکیل دادگاه‌های تخصصی، کشف جرم و تعقیب مجازات، تعزیر مجرمین و اجرای حدود، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم، نظارت بر حسن جریان امور، سیاست‌هایی است که قوه قضاییه برای اجرای آن نیاز به ساز و کار متناسب و تشکیلات و سازمان‌دهی دارد که بر اساس قوانین عادی تعریف شده است.

بر اساس قانون اساسی، قاضی دارای مصونیت است، قاضی باید واجد شرایط اسلامی باشد و صدور احکام بر اساس قانون یا منابع معتبر فقهی ضروری است و قضات از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی خلاف اسلام و قانون منع شده‌اند.

تحلیل ارکان جهت‌ساز نظام دادرسی در اسناد بالادستی

اسناد بالادستی مورد مطالعه عبارتند از: جایگاه قوه قضائیه در افق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، سیاست‌های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضات (مجمع تشخیص مصلحت نظام) سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری که پس از استخراج مفاهیم و مقوله‌ها و به‌منظور پیمودن مراحل فرایند نظریه‌مبنایی با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی؛ در سه محور دکترین، اهداف و سیاست‌ها نتایج به شرح جدول (شماره ۱) آمده است.

همان‌گونه که انتظار می‌رود اسناد بالادستی برآیند تفصیلی و تکمیلی از قانون اساسی‌اند، بنابراین با ورود به جزئیات دربردارنده سیاست‌های نسبتاً مشروح و اهداف و دکترین با قرائتی تازه‌تر و روزآمدتر از قانون اساسی هستند.

در این اسناد ضمن حفظ اصول و قواعد کلی قانون اساسی، با در نظر گرفتن اقتضائات و شرایط کشور و نظام حقوقی و قضایی بر مواردی تأکید و در واقع تکرار گردیده است و در بیشتر موارد با استنباط از قانون اساسی تکالیف و ارزش‌های تازه‌ای ارائه شده است.

در مقوله دکترین بر مفاهیم عدالت‌گستری، استقلال قضایی، اقتدار، تحول‌گرایی، کارآمدی، الگویی قضای اسلامی تأکید شده است.

مقوله اهداف اسناد بالادستی، نظام قضایی را هدف‌دار، برنامه‌محور، سالم و مؤثر، ناظر حاضر، آگاه و کارآمد، پاسدار حقوق جامعه، در دسترس و مورد اعتماد همه افراد جامعه، پشتیبانی پیشرفت ملی، برخوردار از مدیریت جهادی، سرآمد در نگهداشت و اعتلای سرمایه انسانی، فعال در پیشگیری از وقوع جرم، کاهش دعاوی حقوقی، کاهش جمعیت کیفری زندان معرفی و انتظارات از نظام حقوقی دادرسی را برشمرده است.

سیاست‌گذاری‌های اسناد بالادستی به اقتضای ماهیت اسناد تفصیلی‌تر است که به امور قضایی و اداری تقسیم‌بندی می‌شود و فقط به امور قضایی آن اشاره می‌شود: اصلاح ساختار نظام قضایی، نظام‌مند کردن استفاده از بینه در دادگاه‌ها، تعدد قضات، کاستن مراحل دادرسی، یکسان‌سازی آیین دادرسی، استفاده از داوری و حکمیت، تعیین ضوابط اسلامی

مناسب برای کلیه امور قضایی، تنقیح قوانین قضایی، گسترش نظام معاضدت، ارتقاء منزلت و استقلال قضات، تشکیل دادگاه‌های تخصصی، اتخاذ تدابیر لازم در حبس زدایی، تقریب آراء و احکام قضایی، استقلال قضات در رسیدگی به پرونده‌ها، تصمیم‌گیری به صورت مستند و مستدل، رعایت شأن و منزلت قضات، این سیاست‌ها در اسناد دیگر از جمله برخی برنامه‌های توسعه اختصاصی تنظیمی از سوی قوه قضاییه نیز تکرار شده است.

پیشنهاد

با توجه به نتایج حاصل از بررسی و تحلیل قانون اساسی و اسناد بالا دستی با استفاده از نظریه مبنایی و اشباع هدفمند به نظر می‌رسد حوزه نظام دادرسی از اهداف اولیه خود فاصله گرفته است. روسای قوه قضاییه و مدیران راهبردی قبل از هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام، به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های قانون اساسی و اسناد بالادستی در محورهای دکرین، سیاست‌ها و اهداف مراجعه کرده و بر آن اساس به سازمان‌دهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، کنترل و پیاده‌سازی و اجرا، اقدام کنند.

با این توضیح که در مقوله دکرین به عنوان شالوده نظام دادرسی فصل مشترک نظام‌های دادرسی دنیا محسوب می‌شود و عدالت محوری اساس آن است، صرف عطف توجه به آن در تمشیت امور مدیریتی و قضایی در این مورد کفایت می‌کند.

در مقوله اهداف نیز مدنظر قرار دادن اهداف تعیین شده در قانون اساسی، احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع باید در امور قضایی، مدیریتی و تعیین سیاست‌ها و اجرای آن ملاک عمل قرار گیرد.

اما مهم‌تر از همه در خط‌مشی‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به دلیل گستردگی آن، اولویت‌بندی سیاست‌ها، به عنوان مهم‌ترین اقدام، ضرورت دارد. نظارت بر حسن جریان امور و اجرای قوانین، تشکیل دادگاه‌های تخصصی، اصل علنی بودن محاکمات، مصونیت قاضی، پیشگیری از وقوع جرم هر یک از سیاست‌های تعیین شده در قانون اساسی است که نیاز به توجه بیشتر دارد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۳)، اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها)، رحمت‌الله رحمت پور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آقابخش، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار
- برگ نیسی کاظم؛ سجادی، صادق (۱۳۷۰)، واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- تحقیقات قضایی (نظام قضایی)، پژوهشگاه قوه قضاییه، ناشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، نوبت اول، سال ۱۳۹۷.
- توسعه قضایی (بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی)، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- جهانگیر، اصغر، (۱۳۹۲)، الگوی مدیریت راهبردی منابع انسانی قوه قضاییه ج.ا. مطالعه موردی قضات، با راهنمایی آقای دکتر ابراهیم حسن بیگی، رساله، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۹۱)، روش‌های پژوهش آمیخته، تهران: دانش پژوه (ویرایش دوم).
- داوید، رنه و ژوفره اسپینوزی کامی (۱۳۸۹)، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، نویسنده، ترجمه و تلخیص، حسین صفایی، تهران، میزان.
- دهقان، سعید (۱۳۹۴)، ارائه الگوی راهبردی در اداره امور نظام قضایی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا. و بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه و قانون اساسی، راهنمایی و مشاوره آقایان دکتر اصغر جهانگیر، دکتر محمدرضا حسینی و حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی، رساله، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ذوالفقاریان، محمدرضا و لطیفی، میثم (۱۳۹۰)، نظریه پردازی داده‌بنیاد، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، اصول مدیریت، تهران، سمت
- زرینی، حسین؛ هژبریان، حسین (۱۳۸۸)، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، تهران چاپ اول، جلد اول، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- عرفانی، محمود (۱۳۸۷)، حقوق تطبیقی، نظام‌های حقوقی معاصر در: فرانسه، آلمان، ایتالیا، هند، انگلستان، اتحادیه جماهیر شوروی سابق، روسیه و اسلام، نوبت چاپ، چهارم، ناشر: شرکت زیتون چاپ بهاران
- معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضاییه (۱۳۷۹)، فراسوی توسعه قضایی یک سال پس از انتصاب، ناشر مرکز مطبوعات و انتشارات، زمستان.
- قانون اساسی، ناشر معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۸)، حقوق اساسی تطبیقی، ناشر انتشارات جنگل، جاودانه چاپ اول
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، چاپ دهم.

ب. منابع لاتین

- Andrei Marmor (2005). **Interpretation and legal Theory**, Hart Publishing, Oxford and Portland, Oregon, Second edition, p.142.
- Arshakyan, Mher (2013). Op. Cit, pp.1327-1328
- Gerard Conway (2008). **Historical Interpretatin of Constitutions – the Eu and US Compared**, Quest Proceedings of the QUB AHSS Conferenc, e, Issue 6, p.102